

# برنامه هسته‌ای ایران از نگاه دیپلماسی

## عمومی

افسانه احدی\*

### چکیده

امروزه مسئله ارتباطات، نقش افکار عمومی و تأثیرگذاری آنها بر رویدادهای جهانی بسیار پراهمیت‌تر از گذشته است و از این رو در جریان رویدادهایی نظیر برنامه هسته‌ای ایران نمی‌توان نسبت به دیدگاه‌های بین‌المللی بی‌تفاوت بود. در واقع استمرار بحران هسته‌ای ایران مسئولان و کارشناسان ایرانی را به یافتن راه حلی در جهت حل آن واداشت و مسائلی را در ارتباط با چگونگی بحرانی شدن برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران مطرح کرد. در بررسی روندی که در نهایت به اجماع شورای امنیت علیه ایران منجر شد، توجه به فعالیت‌های رسانه‌ای، اظهارات مقام‌های رسمی کشورها و دیدگاه‌های کارشناسان اهمیت فراوانی دارد. همراه شدن این سه بخش در مسائل گوناگون از جمله در مورد برنامه هسته‌ای ایران جهت‌گیری افکار عمومی جهانی را شکل می‌دهد. علاوه بر فعالیت‌های رسانه‌ای گسترده، مؤثر بودن دیدگاه‌های کارشناسان و متخصصان بر روندهای بین‌المللی، مسئله‌ای است که به ویژه در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته و به همین دلیل رویدادها و همایش‌های بزرگ جهانی و نقطه‌نظرات مطرح شده در آنها، اهمیت روز افزونی یافته است. در این رابطه، باید تأکید کرد که مسلماً تقویت نفوذ و بهبود وجهه ایران در میان افکار عمومی جهان می‌تواند مانع مهمی در اجماع‌سازی طرفهای غربی در برابر ایران باشد.

### واژگان کلیدی:

برنامه هسته‌ای، رسانه، دیپلماسی عمومی، قدرت نرم، بین‌المللی شدن

Email: afsaneh\_ahadi@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۸۸/۰۵/۱۷

\* پژوهشگر مرکز تحقیقات استراتژیک

تاریخ ارسال: ۸۸/۰۲/۱۰

فصلنامه راهبرد / سال هجدهم / شماره ۵۱ / تابستان ۱۳۸۸ / صص ۲۶۹-۲۴۹

## مقدمه

بروز تغییرات شگرف در نظام بین‌الملل که خود ریشه در تحولات ارتباطاتی و اطلاعاتی در جهان دارد، شرایط جدیدی را برای نظام‌های سیاسی جهان پدید آورده است. درک صحیح شرایط جدید بین‌المللی این مسئله را مطرح می‌کند که در پیشبرد منافع ملی یک کشور، مقام‌های رسمی آن دیگر تنها تصمیم‌گیرنده نیستند، بلکه طیف وسیعی از بازیگران در روند تصمیم‌گیری دخیل‌اند. از طرف دیگر هیچ کشوری نمی‌تواند بدون تعامل با جهان و بی‌اعتنا به شرایط جهانی پیشرفت کند و توسعه پایدار داشته باشد. امروزه مسئله ارتباطات، نقش افکار عمومی و تأثیرگذاری آنها بر رویدادهای جهانی را بسیار پراهمیت‌تر از گذشته کرده است و از این رو در جریان رویدادهایی که مورد توجه قرار می‌گیرند، نمی‌توان به دیدگاه‌های بین‌المللی بی‌تفاوت بود.

از جمله رویدادهایی که در سال‌های اخیر مورد توجه خاص محافل خبری و سیاسی جهان قرار گرفته است، به ویژه می‌توان به برنامه هسته‌ای ایران اشاره کرد. استمرار بحران هسته‌ای ایران علاوه بر اینکه مسئولان و کارشناسان ایرانی را به یافتن راه حلی در جهت حل آن واداشته، مسائلی را در

ارتباط با چگونگی بحرانی شدن برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران مطرح کرده است. در نوشتار حاضر تلاش شده تا برنامه هسته‌ای ایران از دریچه افکار عمومی و تأثیر آن بر افکار عمومی مورد ارزیابی قرار گیرد. در واقع در بررسی روندی که در نهایت به اجماع شورای امنیت علیه ایران منجر شد، توجه به فعالیت‌های رسانه‌ای، اظهارات مقام‌های رسمی کشورها و دیدگاه‌های کارشناسان اهمیت فراوانی دارد. همراه شدن این سه بخش در مسائل گوناگون از جمله در مورد برنامه هسته‌ای ایران، جهت‌گیری افکار عمومی جهانی را شکل می‌دهد. علاوه بر فعالیت‌های رسانه‌ای گسترده، مؤثر بودن دیدگاه‌های کارشناسان و متخصصان بر روندهای بین‌المللی، مسئله‌ای است که به ویژه در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته و بنابراین رویدادها و همایش‌های بزرگ جهانی و نقطه‌نظرات مطرح شده در آنها اهمیت روز افزونی یافته است. بر این اساس سؤال اصلی در این نوشتار این است که کاربرد دیپلماسی عمومی در ایران تا چه حد می‌تواند در پیشبرد اهداف ایران در دستیابی به انرژی هسته‌ای مؤثر باشد؟ در این رابطه باید تأکید کرد که مسلماً تقویت نفوذ و بهبود وجهه ایران در میان افکار عمومی

عبارت «دیپلماسی عمومی»<sup>۱</sup> در حوزه مطالعات روابط بین‌الملل عبارتی است که در دهه ۱۹۶۰ عمده‌تاً برای توصیف جنبه‌های جدید دیپلماسی بین‌المللی رایج شد که تعامل میان بازیگران جدید عرصه بین‌المللی را در کنار دولت‌ها در بر می‌گرفت. دیپلماسی عمومی اولین بار در سال ۱۹۶۵ در آمریکا توسط ادmond گولین<sup>۲</sup>، رئیس مدرسه حقوق و دیپلماسی فلچر در دانشگاه تافتز به کار گرفته شد و عبارت است از ارتباطات معطوف به منافع ملی یک کشور از طریق ارتباط با مردم خارج از مرزهای جغرافیایی. با این تعریف مسائلی از قبیل اعزام دانشجو به خارج، پذیرش بورس‌های تحصیلی، خبرنگاران اعزامی، فرایند ارتباط میان فرهنگی، برگزاری انواع جشنواره‌های هنری، همایش‌ها و سمینارهای فرهنگی و پخش برنامه‌های صوتی و تصویری و حتی ایجاد سایت‌های اینترنتی همه و همه در حوزه دیپلماسی عمومی قابل بحث می‌باشد. (Wolf and Rosen, 2004, pp.3-4)

تعریف‌های بسیار متعددی از زمان رایج شدن این عبارت ارائه شده است، از جمله دیپلماسی عمومی اقداماتی برای تعامل و ارتباط با دیگر ملل و اندیشه‌ها دانسته شده

جهان می‌تواند مانع مهمی در اجماع‌سازی طرف‌های غربی در برابر ایران باشد. از این رو، تلاش می‌شود تا در هر بخش، فعالیت‌های طرف‌های غربی و ایرانی به نوعی در کنار هم مطرح شود تا با مقایسه آن در نهایت مشخص شود که ایران دارای چه مزیت‌ها و کمبودهایی در هر بخش است و این مسئله تا چه حد به بحرانی شدن پرونده هسته‌ای ایران کمک کرده است.

## ۱- چارچوب مفهومی دیپلماسی عمومی

از جمله مفاهیمی که امروزه مورد توجه محافل علمی و سیاسی جهان قرار گرفته، دیپلماسی عمومی است که این مفهوم خود از قدرت نرم ریشه می‌گیرد. در واقع می‌توان دیپلماسی عمومی را ابزار قدرت نرم دانست که به تقویت و هدایت آن در جهان کمک می‌کند. دیپلماسی عمومی خود به ابزارهایی مجهز است که به نظر می‌رسد رسانه یکی از مهم‌ترین این ابزارهاست. از این رو در این بخش به اجمال به چارچوب نظری و مفهومی دیپلماسی عمومی و دیپلماسی رسانه‌ای اشاره می‌شود.

طرف دیگر چنین پیامی بازگو کننده این است که یک کشور خود را چگونه تعریف می‌کند. گام مهم دیگر این است که اطلاعات حرفه‌ای و قابل قبولی از طریق شبکه ارتباطی در اختیار مخاطبان قرار گیرد که تا حد زیادی اعتبار این گونه شبکه‌ها را بالا می‌برد. همچنین باید بر انتشار اطلاعات برای مخاطبان داخلی و خارجی و تقویت امکان دسترسی آنان به شبکه اینترنت تأکید کرد. این ضعف یک کشور است که نمی‌تواند اطلاعات کافی را در اختیار حتی مخاطبان داخلی خود به زبان رسمی آن کشور قرار دهد. در حال حاضر اینترنت این امکان را فراهم آورده که بتوان آخرین اطلاعات را به راحتی در اختیار مخاطبان قرار داد. تقویت اطلاعات و دانش مخاطبان داخلی این امکان را فراهم می‌کند که در تعامل با جهان خارج، اطلاعات درست یا مورد نظر یک کشور منتقل شود و کمتر به حدس و گمان و یا استناد به اطلاعات منابع دیگر که با اهداف دیگری به جز منافع ملی یک کشور تأسیس شده‌اند، استناد شود.

بنابراین یکی از مسائل مورد توجه در بحث دیپلماسی عمومی رسانه‌ها هستند. رسانه‌ها با قدرت نفوذ فوق العاده خود در جوامع گوناگون قادرند تصویر مثبت یا منفی

که هدف از آن استقرار و استمرار روابط طولانی مدت فرهنگ، ارزش‌ها و سیاست‌های نظام مورد نظر به جوامع دیگر است و یا دیپلماسی عمومی به عنوان عملیات روانی تلقی شده که در واقع ابزاری برای نفوذ در دیگران است که موجب تقویت یک کشور در میان مردم کشور دیگر (و نه حکومت) می‌شود. با این حال دیپلماسی عمومی بیشتر در فضای سیاسی و دانشگاهی آمریکا مورد توجه قرار گرفته است. در فرهنگ واژگان روابط بین‌الملل وزارت خارجه آمریکا در سال ۱۹۸۵ در تعریف دیپلماسی عمومی آورده شده: «دیپلماسی عمومی به برنامه‌های تحت حمایت دولت اشاره دارد که هدف از آنها اطلاع‌رسانی و یا تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی در کشورهای دیگر است؛ ابزار اصلی آن نیز انتشار متن، فیلم، مبادلات فرهنگی، رادیو و تلویزیون و اینترنت است.» (Wolf and Rosen, 2004, p.6)

عملکرد دیپلماسی عمومی به گونه‌ای است که دولت‌ها نیازمند ایجاد شبکه ارتباطات حرفه‌ای و گسترده‌ای هستند. پیامی که این شبکه به مخاطب خارجی می‌رساند، نشان دهنده هویت و طرز فکر عامه یک کشور است و همواره باید ابعاد سازگاری و استمرار را در خود داشته باشد. از

سایر رویدادها مطرح شود. این عملکرد در نهایت می‌تواند ذهن مخاطب را در توجه خاص به یک رویداد شکل دهد.

در زمینه برنامه هسته‌ای ایران نیز از زمان اوج‌گیری انتقادات مجامع بین‌المللی از این برنامه - از مهر ماه ۱۳۸۲ تاکنون - رسانه‌های جهانی به پی‌گیری و تحلیل لحظه به لحظه رویدادها در این رابطه پرداختند و به ویژه بر اتهامات مقاصد غیر صلح آمیز ایران در پی‌گیری برنامه هسته‌ای تأکید کردند. دامنه و چگونگی پوشش خبری رسانه‌های بزرگی همچون CNN، Fox News، BBC و دیگر رسانه‌های قدرتمندی که از پوششی جهانی برخوردارند، نشان می‌دهد که روندی از پیش تعیین شده نسبت به برنامه هسته‌ای ایران در نظر گرفته شده که بعد از گذشت بیش از پنج سال، افکار عمومی جهان را به سمت خطرناک بودن اقدامات ایران سوق داده است. در این رابطه عباراتی همچون «تلاش برای دستیابی به تسلیحات هسته‌ای»<sup>۳</sup>، «بحران هسته‌ای ایران»<sup>۴</sup>، «تنگنای هسته‌ای ایران»<sup>۵</sup> به کرات به چشم می‌خورد که چه در بخش‌های ویژه

از یک کشور را در جهان خلق کنند. این مسئله باعث شده تا رسانه‌ها مورد توجه خاص دولت‌ها قرار گیرد. در دیپلماسی عمومی چگونگی تعامل دستگاه‌های دولتی و رسانه‌ها یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت اهداف دیپلماسی عمومی قلمداد می‌شود.

## ۲- بازتاب فعالیت‌های هسته‌ای ایران در رسانه‌های غربی

هیچ شکی وجود ندارد که در دنیای کنونی، انقلاب ارتباطات توانسته تمامی نقاط جهان را به یکدیگر متصل کند و تأثیرات متقابل کشورها را بر یکدیگر افزایش دهد. در این بین قدرتمند شدن فزاینده ابررسانه‌های جهانی که از نیروی عظیم اینترنت، ماهواره و غیره نیز بهره می‌گیرند، خود به یکی از مهم‌ترین ابزارهای قدرت تبدیل شده است. دامنه نفوذ رسانه‌ها که برخی از آنها امروزه در تمامی نقاط جهان قابل دسترسی هستند، همراه با ویژگی پر قدرت تکرار و پی‌گیری رویدادها باعث شده تا این رسانه‌ها در شکل دادن به حقیقت نقش مهمی ایفا کنند. هر چند عده‌ای معتقدند انقلاب ارتباطات به همگانی شدن اطلاعات و شفافیت در اطلاعات منجر شده، در عمل صاحبان رسانه‌ها هستند که تعیین می‌کنند کدام رویداد پر رنگ‌تر و کدام رویداد کمرنگ‌تر از

3- Acquiring Nuclear Weapons

4- Iran Nuclear Crisis

5- Iran Nuclear Dilemma

مورد بحث نشان داد که هیچ‌گونه فعالیت هسته‌ای در آن انجام نشده است.

این نمونه‌ها در جریان پرونده هسته‌ای ایران به کرات دیده می‌شود. در واقع در هر مرحله و به تناسب اهمیت موضوعات پیش آمده، موجی گسترده از انتقادات علیه ایران مطرح می‌شود. این امر به ویژه هنگامی شدت بیشتری یافت که پرونده هسته‌ای ایران با تصویب شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به شورای امنیت فرستاده شد که در این زمان تلاش طرف‌های غربی به رهبری آمریکا برای بحرانی اعلام کردن فعالیت‌های هسته‌ای ایران تشدید شده است. از جمله، رسانه‌های بزرگ جهانی سعی می‌کنند تا ایران را «جنگ‌طلب و ستیزه‌جو» در عرصه معادلات بین‌المللی و افکار عمومی قلمداد کنند. حتی برخی رسانه‌ها در ماه‌های اخیر تلاش کرده‌اند تا وضعیت کنونی ایران را با آلمان نازی قبل از جنگ جهانی دوم قلمداد کنند و نوعی واژه‌سازی با عنوان «فاشیسم ایرانی» را رایج کنند. (Blair, 2007, p. 1)

همچنین رسانه‌های مختلف ایران را «بر هم زنده امنیت و ثبات مطلوب منطقه و جهان» معرفی می‌کنند. نکته قابل توجه این است که این گونه عبارات در ارتباط با ایران به اشکال گوناگون تکرار می‌شود و در تحلیل هر نوع

خبری و چه در تحلیل‌ها هر روزه به کار می‌رود. (Gertz, 2005, p. 1)

در طول بحرانی شدن پرونده هسته‌ای ایران، مقام‌ها و رسانه‌های غربی کوچک‌ترین موردی را که در جریان بازرسی‌های آژانس به آنها اشاره می‌شد، به عنوان یکی دیگر از موارد تخلف ایران از موافقتنامه‌های بین‌المللی ذکر می‌کردند. برای نمونه یکی از این موارد که جنجال خبری گسترده‌ای را به همراه داشت، زمانی بود که حدس و گمان‌های بازرسان آژانس درباره احتمال انجام فعالیت‌های هسته‌ای پنهانی ایران در تأسیساتی در منطقه لویزان تهران منتشر شد. (Coughlin, 2006) از همان ابتدای انتشار این خبر، رسانه‌های ماهواره‌ای و اینترنتی به انتشار عکس‌هایی در رابطه با نظامی بودن این تأسیسات در زمینه ساخت سلاح‌های هسته‌ای پرداختند. ایران در جواب آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درباره ماهیت این تأسیسات تأکید کرد تأسیسات مذکور به تولید مواد هسته‌ای و یا فعالیت‌هایی در ارتباط با چرخه سوخت نمی‌پرداختند. مقام‌های ایران تأکید کردند سایت لویزان متعلق به سازمان صنایع نظامی و یک مؤسسه بیوتکنولوژیک است. گزارش‌های بازرسان آژانس بعد از نمونه برداری از محل

خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی در سخنانی با اشاره به جنجال تبلیغاتی درباره تحقیقات هسته‌ای دانشمندان ایرانی فرمودند: «مصلحت مدیریت امپراتوری رسانه‌ای جهان اقتضا می‌کند که بگویند ایران در صد دستیابی به سلاح اتمی است، در حالی که مُروّجان این سیاست تبلیغی به وضوح می‌دانند این دروغ است، اما در رسانه‌های جهان به هیچ وجه در خصوص تلاش دانشمندان یک ملت و دستیابی آنان به فناوری پیشرفته برای استفاده صلح آمیز، خبری منتشر نمی‌شود.» (دیدار مدیران و برنامه‌سازان رسانه‌های کشورهای مختلف شرکت کننده در هفتمین جشنواره بین‌المللی رادیو با رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵)

### ۳- انتقادهای مقام‌های غربی و پاسخ‌های ایران

از زمان آغاز بحران هسته‌ای ایران در فوریه ۲۰۰۲، کشورهای غربی و آمریکا بیشترین انتقادات را به این برنامه داشته و همواره خواهان متوقف شدن آن به هر شکل ممکن بوده‌اند. در واقع مقامات آمریکایی همسو با رسانه‌های قدرتمند غربی، برنامه هسته‌ای ایران را بزرگ‌ترین خطر پیش روی

رفتاری از ایران به آنها استناد می‌شود. موج تبلیغاتی علیه ایران و برنامه هسته‌ای تا حد زیادی نیز تأثیرگذار بوده است، به گونه‌ای که «نگرانی از مقاصد غیرصلح آمیز برنامه‌های ایران» در میان افکار عمومی جهان نیز مطرح است. (Pew Global Attitudes Survey, 2008, pp.57-60) حتی دستاوردهای خارق‌العاده ایران در عرصه فعالیت‌های هسته‌ای و ماهواره‌ای به دلیل جریان‌های قدرتمند رسانه‌ای در جهان به عنوان نوعی تهدید برای جهان معرفی می‌شود و به جای اینکه همچون چین این پیشرفت‌ها به بهبود وجهه ایران در جهان کمک کند، بهانه‌ای برای تشدید سیاه‌نمایی چهره ایران در جهان شده است.

با این حال و با مرور مباحث رسانه‌ای ایران می‌توان به این ارزیابی رسید که پاسخ‌های رسانه‌ای ایران در رابطه با چنین جنجال‌هایی چندان فراگیر و تأثیرگذار نبود و حتی نتوانست به طور کامل جوابگوی افکار عمومی داخلی باشد. در واقع به نظر می‌رسد بحث رسانه‌ها و اهمیت آن در اوج‌گیری جنجال‌ها در رابطه با برنامه هسته‌ای ایران چندان مورد توجه نیست. هر چند که مسئولان نظام در سخنان خود به آن پرداخته‌اند، از جمله حضرت آیت الله

آمریکا و متحدان این کشور به ویژه اسرائیل دانسته‌اند. صرف نظر از اظهارات رسمی مقامات غربی، جو روانی منفی علیه ایران باعث شده تا بسیاری از کشورها و حتی مجامع بین‌المللی، ایران را به دلیل پی‌گیری برنامه هسته‌ای‌اش محکوم کنند. با وجودی که ایران به طور رسمی بارها اعلام کرده که برنامه هسته‌ای‌اش مطلقاً صلح‌آمیز است، مقام‌های غربی اصرار دارند تا نشان دهند ایران در نهایت مقاصد تسلیحاتی را دنبال می‌کند. مقام‌ها و کارشناسان برجسته آمریکایی به ویژه با تحلیل‌ها و توجیهاتی سعی در اثبات گفته خود دارند. در این بخش ضروری به نظر می‌رسد که مهم‌ترین اتهامات محافل رسمی غربی و پاسخ مقام‌های ایرانی مورد بررسی مجدد قرار گیرد.

در رابطه با برنامه هسته‌ای ایران، مقامات کشورهای غربی و به ویژه محافل رسمی آمریکا معتقدند که برنامه هسته‌ای ایران، با توجه به گستردگی و هزینه‌های بالای آن از نظر اقتصادی به نفع کشوری همچون ایران نیست. بر اساس گزارش‌های مکرر آمریکا و دیگر منابع غربی، منابع استخراج اورانیوم در ایران کافی نیست و این کشور نمی‌تواند مواد مورد نیاز برای راکتورهای هسته‌ای را در طول مدت فعالیت آن فراهم نماید. از طرف دیگر و به نوشته چنین گزارش‌هایی، ایران اعلام کرده است که به هیچ شکلی حتی در صورت برقراری تحریم از برنامه هسته‌ای خود دست نخواهد کشید. بنابراین این سؤال مطرح می‌شود که چرا ایران برای تأمین انرژی جایگزین تا این حد به پیشبرد برنامه هسته‌ای خود تأکید دارد؟ مقام‌های آمریکایی بارها در گزارش‌های دولتی و در گزارش‌های کنگره آمریکا چنین استدلالی را مطرح می‌کنند که صرف میلیون‌ها دلار برای برنامه هسته‌ای در جایی که ایران دارای منابع غنی نفت و گاز است، نمی‌تواند تنها برای کسب انرژی باشد و منطقی‌اً باید حدس زد که ایران اهداف تسلیحاتی را در این باره دنبال می‌کند. مقام‌های آمریکایی تأکید دارند ایران به این منظور از کمک سایر کشورها نیز بهره‌برده است. در این رابطه به ویژه همکاری‌های ایران و روسیه برای آمریکا نگران‌کننده است. به ویژه که روسیه مهم‌ترین تأمین‌کننده کمک‌های فنی و کارشناسی برای ساخت راکتور هسته‌ای در بوشهر می‌باشد.

(CRS Report for Congress, 2004)

مهم‌ترین توجیه ایران این است که به انرژی هسته‌ای به‌عنوان یک انرژی جایگزین نیازمند است. علی لاریجانی، دبیر پیشین



در این رابطه تأکید می‌شود ایران تا زمانی که توسط گزارش‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مجبور نشود، درباره فعالیت‌های هسته‌ای خود حقیقت را نگفت و حتی بعد از آن توضیح روشنی درباره چگونگی توانایی ایران برای گسترش برنامه‌های غنی‌سازی اش ارائه نکرد. با وجودی که از همان ابتدا ایران تأکید کرد که قصور اعلام شده در گزارش‌های آژانس بسیار جزئی بوده، آمریکا استدلال می‌کند که چنین قصوری به دلیل برنامه هسته‌ای احتمالی ایران، با اهمیت‌تر از زمانی است که این برنامه تنها مرتبط با مواد و تجهیزات اتمی صرف است. به ویژه که این رویه می‌تواند الگویی برای فریبکاری دیگر کشورها باشد. آمریکا تأکید می‌کند که نمی‌توان در این مورد تنها به رویه‌های عادی بین‌المللی بسنده کرد. در حالی که بعضی از اعضای شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی معتقدند با اعمال پروتکل الحاقی و بازرسی‌های دقیق آن می‌توان از متوقف شدن مقاصد تسلیحات هسته‌ای ایران مطمئن شد. (CRS Report for Congress, MPMN, 2006).

البته پاسخ ایران در این رابطه توجیه کننده نبوده است. مقام‌های ایرانی تأکید دارند قصورهایی که دائماً در گزارش‌ها و

شورای عالی امنیت ملی در این رابطه با ارائه اسناد همکاری‌های ایران و آمریکا در زمینه فناوری هسته‌ای در دوران قبل از انقلاب اسلامی ایران تأکید کرد بر اساس این سند باید ۲۰ هزار مگاوات برق اتمی بین ایران و آمریکا تولید می‌شد و همچنین در زمینه تحقیقات هم باید همکاری دوجانبه صورت می‌گرفت. به علاوه آموزش نیروهای انسانی در این سند ذکر شده بود. وی خطاب به کشورهای غربی و آمریکا گفت: «همه شما می‌دانید که در آن زمان مخازن نفت و گاز ایران خیلی بیشتر از امروز بود. اگر این سؤال اکنون برای شما مطرح است، چرا آن زمان که منابع ما بیشتر بود، این سؤالات را مطرح نکردید.» (سخنرانی علی لاریجانی، ۱۳۸۵)

از طرف دیگر در گزارش‌های رسمی و کارشناسی غرب که گاه مورد استناد سازمان‌های بین‌المللی همچون آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار می‌گیرد، چنین ادعا می‌شود که ایران علاوه بر پنهانکاری فعالیت‌های اتمی خود - که بعداً کشف شد - موارد بسیاری را هنوز مبهم باقی گذاشته یا پنهان می‌کند. همچنین مقام‌های آمریکایی همواره استدلال کرده‌اند که علی‌رغم تمامی سخنان آشتی‌جویانه، مقام‌های ایرانی درباره حدود برنامه هسته‌ای خود صادق نبوده‌اند.

تحلیل‌های منابع غربی از آنها یاد می‌شود، بیشتر به دلیل عدم ارائه اطلاعات به موقع به آژانس بوده است و نمی‌تواند نشان دهنده اهداف نظامی برای فعالیت‌های هسته‌ای ایران باشد. در این رابطه به نظر می‌رسد پاسخ ایران نتوانسته توجیه کننده باشد. از طرف دیگر، بحران هسته‌ای ایران زمانی به اوج خود رسید که نمونه برداری‌های بازرسان آژانس از سایت نطنز نشان داد که در تجهیزات این سایت ذرات اورانیوم با خلوص بالا وجود دارد. این در حالی است که ایران غنای اورانیومی را که به آن دست یافته بود، بسیار پایین‌تر از این مقدار ذکر کرده بود. علی‌رغم جنجالی که در زمان اعلام این خبر به وجود آمد، گزارش‌های بازرسان نشان داد که کشف ذرات اورانیوم با خلوص بالا به دلیل آلوده بودن تجهیزات خریداری شده توسط ایران بوده است و ادعای ایران در این رابطه که به چنین اورانیومی دست نیافته، صحت دارد. در واقع، آمریکا نتوانست چنین مسائلی را از نظر فنی و حقوقی ثابت کند، اما تأثیر زیادی بر منفی شدن بیش از پیش جو جهانی بر ضد ایران داشت. در این رابطه، لاریجانی در سخنانی اظهار داشت: «ممکن است یکی دو مورد تخلف وجود داشته که ما رسیدگی کردیم، ولی پروژه‌های مهم را به

آژانس اطلاع داده‌ایم.» وی با بیان اینکه آژانس از فعالیت UCF اصفهان مطلع بود، افزود: «نگوید در این زمینه مخفی‌کاری شده است.» وی در عین حال تأکید کرد: «خودشان [کشورهای غربی و آژانس] می‌دانند این داستان پایه و اساس درستی ندارد.» (سخنرانی علی لاریجانی، ۱۳۸۵)

از طرف دیگر، مقام‌های غربی، یکی از مصادیق مورد استناد را مسئله دستیابی ایران به روش‌های غنی‌سازی اورانیوم بدون اطلاع دادن به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌دانند. در بعضی منابع غربی به نقل از گزارش‌های آژانس تأکید شده که ایران از دو روش جداگانه برای غنی‌سازی اورانیوم بهره گرفته است که این مسئله به دلیل نزدیک شدن ایران از نظر تکنولوژیکی به ساخت سلاح‌های هسته‌ای، برای آمریکا و متحدانش اهمیت زیادی دارد. برخی از کارشناسان برجسته آمریکایی نیز معتقدند افشاگری‌هایی اخیر نشان داده که توانایی‌های ایران در غنی‌سازی اورانیوم و جداسازی پلوتونیوم این کشور را به سرعت به آستانه هسته‌ای شدن سوق داده است.

ایران در این رابطه نیز تأکید دارد که از نظر حقوقی در اسنادی همچون اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ان. پی. تی

جنگ طلبان واشنگتن جایگاه واقعیت‌ها به توهمات مبدل شده است. اینها ظاهراً توانایی کشف نیات و ذهن خوانی دارند و بر همین اساس، نسبت به برنامه ایران قضاوت می‌کنند. همین داوری موهوم با تبلیغات به مبنای اقدامات بعدی تبدیل می‌شود. این شیوه‌ای بسیار آسان است، چون برای تشکیک در نیات، ارائه مدرکی نیاز نیست. اطلاق صفت عدم پایبندی به برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران یکی از بزرگ‌ترین بدعت‌ها در تاریخچه آژانس است که قطعاً به اعتبار نهادهای جهانی خسارت شدید وارد خواهد کرد و انحرافی جدی را در رسالت اولیه این نهادها بنا می‌نهد که به ضرر صلح و امنیت جهانی می‌باشد. (سخنرانی علی اصغر سلطانی، ۱۳۸۴)

همچنین برخی از مقام‌های ایرانی در اظهارات و بیانیه‌های خود به دکترین هسته‌ای ایران اشاره کرده‌اند که در واقع تلاشی برای پاسخگویی به اتهامات برضد ایران است. از جمله در یکی از منابع فارسی به نقل از یکی از مقام‌های ایرانی آمده است: «ما وارد مسیر مسابقه سلاح هسته‌ای نمی‌شویم، چون احمق نیستیم. اگر آن‌طور که غربی‌ها ادعا می‌کنند فرض کنیم، ایران پس از ده سال به بمب اتمی دست یابد،

(NPT)، موافقتنامه جامع پادمان<sup>۶</sup> آژانس و حتی در پروتکل الحاقی، غنی‌سازی و باز فرآوری اورانیوم ممنوع نشده و حتی درجه غنای اورانیوم و یا میزان تولید آن نیز مشخص نگردیده است. تنها مسئله‌ای که به آن تأکید شده این است که کشورهای عضو موظف به مطلع کردن آژانس از محل و مشخصات کارخانه و تأسیساتی هستند که به فعالیت‌های هسته‌ای می‌پردازند. در واقع، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مسئول شناخت صحت اظهارات کشورهاست. بر این اساس حتی می‌توان استدلال کرد که شورای حکام توجیه قانونی برای مجبور کردن ایران به توقف غنی‌سازی و یا باز فرآوری ندارد و تنها می‌تواند خواستار تعلیق این برنامه شود. در این زمینه باید به عملکرد متناقض کشورهای غربی اشاره کرد؛ به ویژه درباره کشورهایی که برنامه‌هایی برای غنی‌سازی اورانیوم دارند. بارزترین نمونه در این رابطه فعالیت‌های غنی‌سازی کره جنوبی است که تنها بعد از دو جلسه بررسی در آژانس به فراموشی سپرده شد و شاهد هیچ نوع جنجال رسانه‌ای هم در این رابطه نبودیم. علی اصغر سلطانی، نماینده ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی معتقد است که برای

6. INFCIRC/153

دولت ایالات متحده در ظرف چند ثانیه و در قالب یک بیانیه می‌تواند کشورهای منطقه را تحت حمایت اتمی خود قرار دهد و این به معنی تثبیت و تعمیق حضور نظامی آمریکا تا آینده غیرقابل پیش‌بینی در مرزهای همجوار ایران است؛ اتفاقی که در شرق آسیا افتاده است. چنین وضعیتی برخلاف امنیت ملی ایران است.» (وعیدی، ۱۳۸۵، ص ۱۳) وی همچنین تأکید دارد که «ما به دنبال سلاح هسته‌ای نیستیم، چون این اقدام برنامه‌هسته‌ای رژیم صهیونیستی را مشروعیت می‌بخشد و این رژیم می‌تواند به همین بهانه برنامه توسعه سلاح‌های کشتار جمعی خود را ارتقاء دهد. این برخلاف امنیت ایران و منطقه خاورمیانه است.» (وعیدی، ۱۳۸۵، ص ۱۳) در زمینه مقابله با سیاست‌های آمریکا نیز آمده: «چون سیاست ایالات متحده در ۲۷ سال گذشته نسبت به ایران بر دو اصل سیاست انکار<sup>۷</sup> نسبت به استقلال ایران و سیاست مهار<sup>۸</sup> نسبت به نقش منطقه‌ای ایران استوار بوده، مهم‌ترین هدف دکترین هسته‌ای ایران در دستیابی به دانش صلح‌آمیز هسته‌ای بومی ایرانی، بی‌ثمر

کردن این دو سیاست ایالات متحده است.» (وعیدی، ۱۳۸۵، ص ۱۳)

روند انتقادات علیه ایران با وجودی که به نظر می‌رسد به دلیل برگزاری انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در سال ۲۰۰۸ و برخی رویدادهای بین‌المللی دیگر اندکی کند شده بود، همچنان مسائل جدیدی مطرح می‌شود که نمی‌توان تأثیر بین‌المللی آن را منکر شد. به عنوان مثال، یکی از رویدادهای قابل توجه، ارسال نامه ایران خطاب به نشست ۵+۱ بود که بعدها حتی به عنوان سند شورای امنیت منتشر شد. سعید جلیلی، دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران در این نامه خطاب به خاویر سولانا مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، از سیاست‌های غرب در قبال ایران انتقاد کرده و «فقدان فرهنگ گفتگو» در رابطه با برنامه هسته‌ای ایران را مورد نکوهش قرار داده است: «اکنون برای جامعه جهانی جالب است که در روند گفتگو آنگاه که سؤالی منطقی طرح می‌شود، طرف گفتگو به جای ارائه پاسخ و رفع ابهام از ابزار فشار استفاده می‌کند. این رفتار غیرمنطقی در قضاوت جامعه جهانی گواه نداشتن پاسخ روشن به پرسش‌های اصولی جمهوری اسلامی ایران است و این شبهه را تقویت می‌کند که نگاه برخی قدرت‌ها به گفت‌وگو

7. Denial Policy

8. Containment Policy

بین‌المللی و به زبان‌های خارجی و به‌ویژه به زبان انگلیسی به صورت صحیح باعث می‌شود تا اظهارات مقام‌های غربی که مرتباً در رسانه‌ها تکرار می‌شود، به عنوان تنها حقیقت موجود تلقی شود.

#### ۴- دیدگاه‌های محافل کارشناسی به برنامه هسته‌ای ایران

یکی دیگر از مهم‌ترین منابع تحلیلی و خبری جهان، دیدگاه‌ها، تحلیل‌ها و مقالات کارشناسان و متخصصان جهانی است که در ارتباط با رویدادهای گوناگون از اهمیت فراوانی برخوردارند. در کشورهای غربی و بسیاری از کشورهای غیر غربی این دسته از دیدگاه‌ها با توجه به اینکه غیر رسمی و بی طرفانه تلقی می‌شوند و در بسیاری از موارد زمینه‌ساز اتخاذ سیاست‌های دولت‌ها به شمار می‌روند، مورد توجه خاصی قرار دارند. در واقع، کارشناسان و متخصصان در محافل دانشگاهی و در همایش‌های بین‌المللی از این فرصت برخوردار می‌شوند که به بیان دیدگاه‌های خود بپردازند تا مورد بحث و بررسی قرار گیرند. این دیدگاه‌ها می‌توانند در برخی موارد دست‌مایه برخی از سیاست‌های کلان جهانی باشند.

صرفاً تاکتیکی و مقطعی است.» (متن کامل نامه ایران به ۵+۱، ۱۳۸۷) ایران در این نامه پاسخ مناسبی ارائه می‌دهد که واکنشی قابل قبول به تصویب قطعنامه پنجم علیه ایران در حالی است که مذاکرات میان ایران و طرف‌های اروپایی ادامه دارد. اما نکته قابل توجه در چگونگی انعکاس این نامه در جهان است. اصل نامه به زبان انگلیسی بود و در حالی در محافل رسمی و خبری جهان منتشر شد که غلط‌های فاحش املائی و نگارشی آن در جهان مورد توجه قرار گرفت و محتوای آن به طور کلی تحت الشعاع واقع شد. از جمله نیویورک تایمز در گزارشی آورد که این نامه به نحو غیر متخصصانه و با غلط‌های بسیار فاحشی نوشته شده و شامل متنی است که به همه چیز مربوط می‌شود به جز موضوع اصلی. (Sciolino, 2008, p.1)

بنا بر آنچه گفته شد، به نظر می‌رسد پاسخ‌های ایران به اتهامات و ادعاهای منابع غربی عمدتاً از طرف مقام‌های رسمی صورت گرفته که بازتاب بسیار کم‌رنگی در بُعد بین‌المللی داشته است. در واقع از این منظر مقام‌های ایرانی بیشتر خود را مقید می‌دانند تا در بُعد داخلی پاسخگوی این‌گونه اتهامات باشند. در حالی که عدم انعکاس صحیح اظهارات مقام‌های ایران در رسانه‌های

در زمینه برنامه هسته‌ای ایران نیز محافل دانشگاهی و غیر رسمی توجه خاصی به این موضوع دارند. به گونه‌ای که به ویژه در ماه‌های اخیر برنامه هسته‌ای ایران موضوع کنفرانس‌ها و نشست‌های بزرگ جهانی قرار گرفته است. علاوه بر این، کارشناسان برجسته در ارتباط با این موضوع به طور مرتب به انتشار دیدگاه‌های خود می‌پردازند. این دیدگاه‌ها بعضاً در رسانه‌ها نیز مورد توجه قرار می‌گیرند و حتی در سیاست‌های رسمی کشورهای غربی نیز به آنها استناد می‌شود. در این رابطه به ویژه مقالات فراوانی از کارشناسان صاحب‌نام غربی منتشر می‌شود که بر تلاش ایران در دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای تأکید دارند. این کارشناسان مهم‌ترین دلایل ایران در دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای را تلاش برای رسیدن به موقعیت برتر منطقه‌ای می‌دانند، آنها معتقدند اکنون ایران در منطقه احساس امنیت نمی‌کند. بر این اساس، استدلال می‌شود که با وجود سرنگونی رژیم صدام حسین در عراق و فروکش کردن مهم‌ترین نگرانی امنیتی ایران، استقرار آمریکا در جوار مرزهای غربی ایران و توانایی آمریکا برای اعمال قدرت خود در منطقه همچنان باعث نگرانی مقام‌های ایرانی است. در این رابطه

زیگنیو برژنسکی معتقد است ایران کسب سلاح‌های استراتژیک را تنها مانع بر سر راه آمریکا برای عملی کردن تغییر رژیم و یا اقدام به جنگ پیش‌دستانه می‌داند (Brzezinski and Gates, 2004, p.24). از طرف دیگر، وی تأکید دارد که باید به انگیزه‌های سیاسی داخلی ایران در این زمینه نیز توجه کرد، به‌ویژه که مسئله برنامه‌های هسته‌ای حتی قبل از وقوع انقلاب در ایران اهمیت داشته است. بر اساس این دیدگاه، دو مسئله کسب پرستیژ و ایجاد بازدارندگی از عوامل قدرتمندی است که حکومت‌های ایران چه در گذشته و چه در امروز توانسته‌اند بر اساس آن به قدرت سیاسی خود بیفزایند. (Brzezinski and Gates, 2004, p.24)

از دید آمریکا و اسرائیل ایران مشغول تحقیق، آزمایش و تولید سلاح هسته‌ای است. با این حال و با وجود اینکه این دو کشور سال‌ها بر چنین مسئله‌ای تأکید کرده‌اند، نتوانسته‌اند برای افکار عمومی جهان و مجامع بین‌المللی همچون آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مدرک قابل قبولی ارائه دهند. آنها تنها به صورت غیرمستقیم در ارزیابی‌های خود به وجود چنین برنامه‌ای اشاره می‌کنند. در این رابطه نیز کارشناسان برجسته آمریکایی همچون دیوید آلبرایت،

کلاهک هسته‌ای را به پایان رسانده و اکنون در حال تکمیل آن باشد و شاید حتی اجزای حیاتی چنین کلاهکی را نگهداری می‌کند. (Albright and Hinderstein, 2004, pp. 67-72)

از طرف دیگر، گری میلهولین، کارشناس ارشد تسلیحاتی مرکز کارنگی تأکید دارد که کشورهای اروپایی به‌ویژه فرانسه، انگلستان و آلمان تلاش کرده‌اند تا ایران را وادار به تغییر رفتار نمایند، اما اگر ایران در این شرایط به سلاح‌های هسته‌ای دست یابد، در واقع رژیم‌های منع گسترش را به تمسخر گرفته و منطقه خاورمیانه را از آنچه که بود، خطرناک‌تر کرده است. به گفته وی به این دلیل ایران در رأس کشورهای کشتار جمععی و به ویژه سلاح‌های هسته‌ای می‌پردازد. (Milholin and Lincy, 2004)

کنت پولاک از کارشناسان برجسته مسائل ایران نیز معتقد است که بعید به نظر می‌رسد ایران سیاست عقب‌نشینی هسته‌ای آفریقای جنوبی، آرژانتین یا برزیل را برگزیند، زیرا معضلات امنیتی ایران نیز کاملاً متفاوت از محیط‌های استراتژیک در آفریقای جنوبی یا آمریکای لاتین است. از این دیدگاه، مشارکت نخبگان ایران در برنامه‌های

تئوری‌های گوناگونی را مطرح می‌کنند. یکی از تئوری‌های آنها این است که عبدالقدیرخان (پدر بمب اتمی پاکستان) و شبکه‌اش که از دید آمریکا تأمین‌کننده و حامی برنامه ساخت سانتریفیوژ در ایران و لیبی بودند، در طراحی و اجرای برنامه تسلیحات هسته‌ای ایران موثر بوده‌اند. (Albright and Hinderstein, 2004, pp. 67-72) علی‌رغم رد این مسئله توسط پاکستان و ایران، آمریکا به اسناد و طرح‌های تسلیحاتی لیبی استناد می‌کند که عبدالقدیرخان نقش مهمی در تأمین تجهیزات و وسایل مورد نیاز این کشور داشته و به این دلیل احتمال می‌رود این شخص درباره ایران نیز چنین نقشی را ایفا کرده باشد. آبرایت همچنین تأکید دارد آزمایش‌های موشکی ایران در زمان حاضر نشانه‌ای بر عزم ایران برای ساخت سلاح‌های هسته‌ای است. به عقیده وی، ایران به دنبال ساخت کلاهک‌های هسته‌ای است که برای موشک شهاب ۳ مناسب باشد. در واقع روند کنونی پیشرفت هسته‌ای ایران و دستیابی احتمالی به تکنولوژی ساخت سلاح هسته‌ای از طریق منابع پاکستانی به معنای آن است که ایران توان ساخت کلاهک‌های هسته‌ای قابل حمل را دارد و لذا بعید نیست ایران تاکنون تحقیقات ضروری برای ساخت

هسته‌ای به‌طور تفکیک‌ناپذیری با بقای سیاسی و حتی فیزیکی آنها عجین شده است و با کشورهای مذکور به‌کلی متفاوت می‌باشد. به عقیده وی هر توافقنامه جامعی که منجر به حذف برنامه‌های تسلیحات هسته‌ای ایران شود، زودگذر است و تدوین موافقتنامه‌ای که کنترل تسلیحات را تضمین کند، کاملاً غیرممکن خواهد بود. پولاک تأکید دارد سیاست اصلی ایران در دوران کنونی تأکید بر ادامه مذاکرات و به تعویق انداختن فشارهای دیپلماتیک و اقتصادی و مهم‌تر از همه حملات پیشگیرانه ایالات متحده است. (Pollack, 2006, p.1)

در مقابل دیدگاه‌های نسبتاً افراطی کارشناسان غربی، دیدگاه‌های کارشناسان ایرانی که بتواند موضع محافل بین‌المللی را کمی تعدیل کند، به ندرت دیده می‌شود. در این رابطه هر چند ایرانیان مقیم کشورهای غربی در رابطه با برنامه هسته‌ای ایران به بیان دیدگاه‌های خود می‌پردازند، اما دیدگاه‌های آنها کمتر سمت و سوی ایرانی دارد و در واقع به نظر می‌رسد آنها کارشناسان غربی درجه دومی هستند که در قالب فضای کشورهای غربی اظهار نظر می‌کنند. این‌گونه دیدگاه‌ها همان‌طور که خود محافل غربی نیز به آن اذعان دارند،

نمی‌تواند بیانگر دیدگاه محافل غیر رسمی ایران باشد. در این رابطه و از میان محدود نظرات کارشناسی متخصصان ایرانی که توانسته بازتاب‌هایی نیز در رسانه‌های خارجی و یا حداقل در مؤسسات تحقیقاتی داشته باشد، می‌توان به مواردی اشاره کرد. از جمله علی‌اکبر صالحی، نماینده سابق ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مصاحبه‌ای برنامه هسته‌ای ایران را کاملاً صلح‌آمیز دانست و به ویژه سعی کرد با واژه‌های تخصصی وضعیت برنامه هسته‌ای را تشریح کند. وی در قسمتی از سخنانش به سیاست‌های آمریکا اشاره کرد و گفت ما شاهد دو توصیه متضاد آمریکا بوده‌ایم. یک توصیه قبل از انقلاب بود که سیاستمداران و کارشناسان آمریکایی به ایران توصیه کردند که نیروگاه‌های هسته‌ای بسازد. توصیه دیگر بعد از انقلاب است که معتقد است ایرانی با ذخائر عظیم نفت و گاز بهتر است از پیگیری برنامه‌های هسته‌ای صرف‌نظر کند. صالحی معتقد است چنین تناقض‌گویی منبعت از یک نیت سیاسی است، از آنجا که اکنون مسئله انرژی هسته‌ای یک مسئله جهانی است و همه باید از این انرژی بهره‌مند شوند، اگر با این دید به مسئله نگاه کنیم، باید تمامی دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی جهان در



زمینه دیپلماسی عمومی و در واقع دیپلماسی ارتباط با افکار عمومی جهان را مد نظر قرار داده‌اند و هر کشور با توجه به توانایی‌ها و تأثیرگذاری‌های خود درصدد استفاده از این دیپلماسی است. در واقع دیپلماسی عمومی برنامه‌ای جامع است که تمامی فعالیت‌های یک کشور از جمله فعالیت‌های رسانه‌ای را که بر افکار عمومی جهانی تأثیرگذار است، شکل می‌دهد و آن را در جهت منافع یک کشور هدایت می‌کند. از طرف دیگر گسترش ارتباطات در جهان امروز و نشر اخبار و تحلیل‌های خبری در زمینه هر رویدادی باعث شده تا رسانه‌ها و اذهان عمومی بین‌المللی نقش مهمی در آثار این رویدادها داشته باشند.

در زمینه برنامه هسته‌ای ایران نیز فعالیت‌های گسترده رسانه‌ای جهانی در پنج سال گذشته نشان می‌دهد که چگونه این برنامه که برنامه‌ای بسیار تخصصی است، مورد توجه خاص جهان به عنوان یک تهدید قرار گرفته است. در واقع، اظهارات و تحلیل‌های مقام‌های غربی و به ویژه آمریکایی و تکرار مکرر آنها باعث شده تا جو بین‌المللی منفی بر ضد ایران شکل بگیرد که حتی کشورهایی که ایران تصور می‌کرد از برنامه هسته‌اش حمایت می‌کنند، تصمیم

زمینه انرژی هسته‌ای تعطیل شود. (مصاحبه با علی‌اکبر صالحی، ۱۳۸۳)

در مقام مقایسه، به نظر می‌رسد دیدگاه‌های کارشناسان ایرانی می‌تواند توجه‌های مناسبی برای پی‌گیری برنامه هسته‌ای ایران باشد که مکمل تلاش‌های دولتمردان ایرانی در عرصه دیپلماتیک است. با این حال، تعداد کثیر کارشناسان غربی، امکانات بالای تحقیقاتی کشورهای غربی و ارج نهادن به کار پژوهش در این کشورها، عواملی هستند که باعث می‌شوند دیدگاه‌های اساسی و کاربردی در کشورهای مذکور در محیطی آرام و به دور از هیاهو شکل بگیرند و در نهایت در عرصه سیاسی و رسمی مطرح شوند. در حالی که به این مهم در ایران توجه نشده است و معدود کارشناسان مستقل و دانشگاهی نیز با محیط و شرایط مناسبی برای بیان دیدگاه‌های خود روبه‌رو نیستند.

## فرجام

تغییر شرایط حاکم بر نظام بین‌الملل موجب شده تا تغییراتی نیز در عملکرد دولت‌ها در عرصه جهانی به وجود آید که از جمله آنها تغییر دیپلماسی سنتی و پذیرش ویژگی‌های جدید در آن است. امروزه تأثیرگذاری افکار عمومی به حدی است که کشورها برای تحقق اهداف خود در این

دیگری اتخاذ نمایند. به نظر می‌رسد یکی از نقاط ضعف ایران در این خصوص، عدم حضور فعال در صحنه رسانه‌ای و در سطح مراکز تصمیم‌سازی بوده است. البته پاسخ‌های مقام‌های ایرانی در بسیاری موارد قابل توجه و حتی مؤثر بوده است. به طوری که می‌توان در پاره‌ای موارد از آن به عنوان نظرات کارشناسانه بهره‌برداری نمود. با این حال، اغلب به بیان و ذکر مواضع رسمی بسنده می‌شود و توجه مسئولان بیشتر پاسخ به بازتاب‌های داخلی است. از سوی دیگر به رغم سخنرانی‌های مقام‌های ایرانی در جلسات بین‌المللی، مطبوعات غربی این اظهارات و دفاعیات را نیز به شکل مورد نظر خود تحلیل می‌کنند و در مقابل، در ایران ساختار رسانه‌ای و یا بدنه کارشناسی مناسب و فعالی که بتواند در عرصه‌های جهانی مطرح باشد و به زبان و نحوه ارتباط با جهان آشنا باشد، وجود ندارد.

تکرار مواضع کشورهای غربی و به ویژه آمریکا که حداقل ظاهراً بسیار مستند و دقیق ارائه می‌شود، پاسخ مناسب ایران را می‌طلبد. در این باره واکنش‌های به موقع و قابل قبول مقام‌های ایرانی یک ضرورت انکارناپذیر است که در کنار آشنایی و تسلط مسئولان ایرانی به زبان دیپلماتیک، مسلماً تأثیر بیشتری

خواهد داشت. فعالیت‌های بایسته کارشناسان مستقل ایرانی در زمینه بحران هسته‌ای کنونی و یا سایر مسائل بین‌المللی می‌تواند در تحقق اهداف و منافع ملی ایران تأثیر بسزایی داشته باشد. در واقع، کارشناسان ایرانی به عنوان چهره‌هایی مستقل از دولت می‌توانند در کنار مسئولین رسمی کشور ضمن شرکت در کنفرانس‌ها و نشست‌های بین‌المللی در کنار هم‌تایان خود در سایر کشورهای جهان، گستره تعامل با مجامع بین‌المللی و تأثیرگذاری بر افکار عمومی به ویژه در سطح نخبگان را به نحو بارزی ارتقا بخشد. جلوه عمومی و خارجی این گونه سخنرانی‌ها آن است که این مواضع عمدتاً اظهارات مقام‌های رسمی و نه نظرات کارشناسان و متخصصان ایرانی است و لذا تاکنون تأثیر شایسته بر جو غالب بین‌المللی و اذهان عمومی جهانی نداشته است.

علاوه بر این جمهوری اسلامی ایران فاقد رسانه، سایت‌ها و منابع خبری قدرتمند به زبان انگلیسی است که بتواند به صورت مرتب دیدگاه‌های شخصیت‌های برجسته دانشگاهی و متخصصان ایرانی را منعکس نماید. فعالیتهای سازمان صدا و سیما با توجه به حجم عظیم فعالیت‌های آن در عرصه داخلی و خارجی نیز کافی نیست. بررسی

فعالیت‌های رسانه‌های ایران نشان می‌دهد که سازمان صدا و سیما تمامی فعالیت‌های رسانه‌های کشور را عهده‌دار است. در عرصه بین‌المللی این سازمان سرمایه‌گذاری‌های عظیمی را برای راه‌اندازی شبکه‌هایی به زبان‌های دیگر صرف کرده است. برای مثال پخش برنامه‌های شبکه سحر با زبان‌های مختلف انگلیسی، فرانسوی، کردی و اردو و راه‌اندازی شبکه العالم و پرس تی وی از آن جمله‌اند. با این حال شرایط کنونی در جهان به گونه‌ای است که رسانه‌ها در جذب مخاطب از روش‌ها و سازوکارهای پیچیده‌ای استفاده می‌کنند. علاوه بر این تعدد شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی، سایت‌های اینترنتی، روزنامه‌ها و مجلات و دیگر ابزارهای ارتباطی به حدی است که مخاطبان علاوه بر کسب اطلاعات در کوتاه‌ترین زمان امکان مقایسه و اعتبارسنجی اطلاعات را نیز دارند. بنابراین رسانه‌هایی در این رقابت موفق‌ترند که دارای ابزارهای قدرتمند فنی و زبانی هستند و از طرف دیگر شناخت بالایی نسبت به خلیات و روحیه مخاطبان خود دارند. در این زمینه به نظر می‌رسد از یک طرف ساختار رسانه‌های کشور نیازمند آسیب‌شناسی دقیق است و از طرف دیگر، کشور نیازمند

فعالیت بیشتر رسانه‌های خصوصی می‌باشد تا با همراه داشتن وجه مستقل از دولت به مطرح کردن مسائل و رویدادهای داخلی بپردازند. بدیهی است مهم‌ترین ویژگی این رسانه‌ها دامنه و پوشش خبری گسترده جهانی است تا بتوانند با رسانه‌های قدرتمند منطقه و جهان رقابت کنند. از سوی دیگر، عدم حضور فعال کارشناسان دلسوز ایرانی که می‌توانند واقعیت ایران را به خوبی به جهان نشان دهند، در نهایت با اظهارات و مطالبی از سوی برخی کارشناسان جایگزین می‌شود که خود منبعی تبلیغی برضد ایران و منافع ملی کشور است. در پایان علی‌رغم ذکر این‌همه کاستی‌ها، به هیچ وجه نباید تلاش‌ها و زحمات خالصانه تمامی مقامات کشور و تیم هسته‌ای را نادیده گرفت که با وجود تهاجم گسترده رسانه‌ای - روانی و دیپلماتیک توانسته است مانع از پیروزی دشمن در عرصه سیاسی و روانی گردند.

### منابع فارسی

۱. دیدار مدیران و برنامه‌سازان رسانه‌های کشورهای مختلف شرکت کننده در هفتمین جشنواره بین‌المللی رادیو با رهبر معظم انقلاب اسلامی، (۲۶ اردیبهشت ۱۳۸۵) مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب

8. Brzezinski, Zbigniew and Robert M. Gates, (2004), Iran: Time for a New Approach, accessed in 12 Aug: [http://www.cfr.org/pdf/Iran\\_TF.pdf](http://www.cfr.org/pdf/Iran_TF.pdf).
  9. Coughlin, Con, (2006), Iran accused of hiding secret nuclear weapons site, The Telegraph, <http://www.telegraph.co.uk/news/main.jhtml?xml=/news/2006/06/12/wiran12.xml>
  10. Iran's Nuclear Program: Recent Developments, *CRS Report for Congress*, accessed in 10 Jan 2004: [http://www.ceip.org/files/projects/npp/pdf/Iran/crsiranuclear304\\_04.pdf#search=iran's%20nuclear%20program:%20recent%20developments](http://www.ceip.org/files/projects/npp/pdf/Iran/crsiranuclear304_04.pdf#search=iran's%20nuclear%20program:%20recent%20developments)
  11. Iran: U.S. Concerns and Policy Responses, CRS Report for Congress, July 31, 2006, accessed in August 20, 2006: <http://www.fas.org/sgp/crs/mideast/RL32048.pdf>
  12. Israel: Iran must not acquire nuclear weapons, *CNN*, January 17, 2006, <http://edition.cnn.com/2006/WORLD/meast/01/17/olmert.iran/>
- Gertz, Bill, (2005), U.S. report says Iran seeks to acquire nuclear weapons, *THE Washington Times*, September 16, <http://www.washingtontimes.com/national/20050915-112916-1533r.htm>
- اسلامی - دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای. <http://farsi.khamenei.ir/FA/News/detail.jsp?id=850226A>
۲. سخنرانی علی اصغر سلطانیه نماینده ایران در نشست شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ۱۹ اسفند ۱۳۸۴ <http://www.irfp.ir/modules.php?name=News&file=article&sid=1577>.
۳. سخنرانی علی لاریجانی در کنفرانس بین‌المللی برنامه انرژی هسته‌ای ایران، (۵ اردیبهشت ۱۳۸۵)، سیاست‌ها و چشم‌اندازها، <http://www.csr.ir/Departments.aspx>
۴. متن کامل نامه اخیر ایران به ۱+۵، (۱۶ مرداد ۱۳۸۷)، خبرگزاری آفتاب، <http://www.aftabnews.ir/vdcexe8f.jh8vxi9bbj.html>
۵. مصاحبه با علی‌اکبر صالحی، (نیمه دوم اردیبهشت ۱۳۸۳) نماینده سابق ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ایران در مدار دانش هسته‌ای، همشهری دیپلماتیک، شماره ۱۲.
۶. وعیدی، جواد. اردیبهشت (۱۳۸۵)، «منطق رفتار هسته‌ای ایران در چارچوب نظام بین‌الملل»، همشهری دیپلماتیک، شماره دوم.

### منابع لاتین

7. Albright, David and Corey Hinderstein, (2004), Iran: Countdown to showdown, November/December, pp. 67-72 (vol. 60, no. 6), accessed in 2 Jan 2005: [http://www.thebulletin.org/article.php?art\\_ofn=nd04albright\\_037](http://www.thebulletin.org/article.php?art_ofn=nd04albright_037).

- John R. Bolton, to the House International Relations Committee, Subcommittee on the Middle East and Central Asia, 24 June 2004, accessed in 4 Nov 2004: [http://www.globalsecurity.org/wmd/library/congress/2004\\_h/040624bolton.htm](http://www.globalsecurity.org/wmd/library/congress/2004_h/040624bolton.htm)
20. Viewpoints: Iran's nuclear crisis, *BBC World*, [http://news.bbc.co.uk/2/hi/middle\\_east/4290161.stm](http://news.bbc.co.uk/2/hi/middle_east/4290161.stm)
21. Wolf, Jr., Charles and Brian Rosen, (2004), Public Diplomacy How to Think About and Improve It, *The RAND*.
13. Milholin, Gary and Valerie Lincy, (2004), Iran's Nuclear Card, accessed in 1 May: [www.wisconsinproject.org/pubs/articles/2004/commentary.pdf](http://www.wisconsinproject.org/pubs/articles/2004/commentary.pdf).
14. Pew Global Attitudes Survey, Some Positive Signs for U.S. Image, "Global economic gloom – china and India notable exceptions", 24-Nation (June 12, 2008), <http://pewglobal.org/reports/pdf/260.pdf>.
15. Pollack, Kenneth M., (May 17, 2006), The Iranian Nuclear Program: Motivations and Priorities, The Brookings Institution. <http://www.brookings.edu/views/testimony/pollack/20060517.htm>.
16. Sciolino, Elaine, (2008), Iran Offers 2 Pages and No Ground in Nuclear Talks, *The New York Times*, July 22, <http://www.nytimes.com/2008/07/22/world/middleeast/22iran-1.html>
17. The Iran Nuclear Dilemma, Draft Elements: Points and Recommendations, 20 March 2006, [http://www.lcnp.org/disarmament/draftelements\\_mar06.pdf](http://www.lcnp.org/disarmament/draftelements_mar06.pdf)
18. Tony Blair, (October 19, 2007), Iran extremism like rise of 1930s fascism, *The Times*, <http://www.timesonline.co.uk/tol/news/uk/article2693173.ece>.
19. Testimony by Under Secretary of State for Arms Control and International Security,